



مشکات اللذیة

پتال جامع علوم انسانی
تہذیبِ مہستی بر کار



هم برای پدران و مادران و هم برای آموزگاران روشن است که تنها با نصایح شفاهی کاری از پیش نمی‌توان برد. کودک حرف آنها را می‌شنود ولی گاهی آنطور که به او دستور می‌دهند، عمل نمی‌کند، بلکه به میل خود رفتار می‌کند. همانطور که عادت کرده است. عادت نیروی خیلی زیادی دارد.

کستانتین دیمیترویچ اوشینسکی معلم بزرگ روس درباره عادت چنین می‌گوید -

" تربیت ، کاملا به اهمیت عادات و ملکات ارزش قائل است و ساختمان خود را روی آنها بنا می‌نهد و آنرا استحکام می‌بخشد . تنها عادت است که برای مربی امکان پیاده کردن هر کدام از اصول خویش ، در سیرت ، سیستم عصبی ، طبیعت تربیت شونده را می‌دهد " .
برای اینکه در کودک عادت لازم به وجود آمده و استحکام یابد ، کودک باید پیوسته رفتار صحیح را تمرین کرده و انجام دهد .

در این سرگذشت ما تنها در باره یک نوع فعالیت کودک کودکستانی - درباره کار آسان او گفتگو خواهیم کرد .

شاید حالا به زحمت بتوان آدمی را یافت که تصور کند که کودکان نباید عادت به کار کنند . همه خواهند گفت - " حتما باید عادت به کار کردن کنند " . پدران و مادران می‌دانند که کار رمز موفقیت است . برای همه کس روشن است که عادت به کار را باید از کودکی یاد داد . اما از کدام سن باید تربیت مبتنی بر کار را آغاز نمود؟ در این جا عقیده واحدی وجود ندارد . برخی از پدران و مادران تصور می‌کنند که نباید شتاب بخرج داد .

" می‌گویند - بیم داریم ، دوران کودکی سعادتمندانه بچه‌هایمان را با بردوش نهادن بار وظایف و اضطرابهای زندگی تیره سازیم . بگذار یکسال دیگر بچه بدود ، آزادانه ورجه و ورجه کند ، هرکار دلش می‌خواهد بکند . "

این نوع قضاوتها بارها شنیده شده است . خوب ، بیائید ببینیم چقدر ترس این پدر و مادران مستدل است . آیا واقعا ما با عادت دادن کودک به کار، دوران کودکی او را کمتر نوام باسعادت می‌سازیم و براو فشار وارد می‌آوریم؟
کودکان کودکستانی معمولا خیلی جدی هستند ، آنها آدمهایی بشاش و فعال و بی- قرارند . کودکستانی‌ها همیشه بیش از سرگرم شدن بازی می‌کنند، می‌دوند و می‌پرند . کار مناسب باسن کودک بهیچ وجه مخالف با طبیعت کودک نیست ، بلکه کار جوابگوی نیازمندیهای کودک برای ساختن چیزی است . بنا براین اغلب می‌توان دید که کودک باچه رغبتی برخی از کارها را انجام می‌دهد .

بلی به خاطر بیاورید ، که تصمیم گرفتید به پسر چهارساله خود کمک کنید تا میز را برای شما بچیند و از آشپزخانه فاشق ، فنجان و بشقاب بیاورد ، چقدر خوشحال شد! در این جا چه عمل زوری بکار رفت ؟ شباهت آسانی فعالیت طبیعی کودک را در مسیر لازم راهنمایی کردید .

و این ده دقیقه که هم اکنون او به شما کمک کرد ، برای رشد عقلانی او ، برای پرورش موازین اخلاقی اش بیهوده سپری نشد .

کودکان کودکستانی ضمن کار خیلی چیزهای تازه درباره خصوصیات و مشخصات اشیا فرا می‌گیرند . کودک مثلا با ظروف شیشه‌ای و فلزی آشنا می‌شود ، عملا می‌شناسد که بیل از چه چیزی ساخته شده و چگونه آنرا به کار می‌برند و



چگونه با جکش کار می‌کنند و غیره .

بدین ترتیب در فعالیت مبتنی بر کار، کودک جواب "چرا"ها و "برای چی"ها و "چطور"های خود را دریافت می‌کند و نیازمندیهای خود را در آشنائی با محیط تامین می‌کند .

در کارهای آسان بهتر است بعضی از مشکلات کودک را برطرف نمود تا بتواند کار را به‌تمام برساند و تمام نشده رها نکند . این روش برای رشد پایداری و انضباط او فوق العاده مهم است .

اما مهمتر این است که تنها کار مستقل کودک که نیازمند کوشش بدنی مشخص و عقلانی و ارادی است سرانجام (به کودکان کودکستانی بزرگتر) برخی تصورات درباره کارهای بزرگترها داده و روابط صحیحی نسبت به کار ایجاد می‌کند . تنها نظارت بر کار دیگران و داستان راجع به کار، احترام لازم بر کار و بر مردم زحمتکش را به وجود نمی‌آورد و عادت و میل مراقبت و دلسوزی نسبت به خویشاوندان و نزدیکان و به پدر و مادر پدر بزرگ و مادر بزرگ و برادر و خواهر کوچکتر ایجاد نمی‌کند . چنانکه می‌بینید مابین تربیت اخلاقی و کار مستقل در خـسـور قدرت کودک کودکستانی رابطه جدانشدنی برقرار است .

معلوم است که کودکان دو-سه ساله ابتداء عادت به انجام برخی سفارشهای آسان می‌کنند از قبیل - آوردن کتاب ، روزنامه و گذاشتن آنها در جای خود ، گذاشتن قاشق روی میز ، آب آوردن و گذاشتن گل و نظایر اینها و بعد عادت به پوشیدن لباس به نتهائی می‌کنند . کودکان پنج و شش ساله در تمیز کردن خانه می‌توانند شرکت کنند ، با بزرگترها در باغچه



و گلخانه کار کنند ، آنها حتی می‌توانند به مادر در تهیه غذا کمک کنند ، مثلا سبزی پاک کنند .

امکانات جسمانی کودکان رانیز باید در نظر داشت و نباید زیاد از کودک کار کشید . ولی گاهی چنین اتفاق می‌افتد ، زیرا کودک شش-هفت ساله تا اندازه ای دارای نیرو و مهارت است ، او خیلی کارها می‌تواند انجام دهد . برخی از پدران و مادران به این‌گونه کودکان پیوسته و به مدت زیادی مواظبت از بچه‌ها را واگذار می‌کنند ، اجازه می‌دهند که چیزهای سنگین بلند کنند . این‌گونه کارها برای ارگانیزم کودک زیان آور است . هرچند که کودک نیرو ندارد ولی عضلاتش هنوز به اندازه کافی تحمل ندارد ستون فقراتش کاملا تکمیل نشده است و بار-

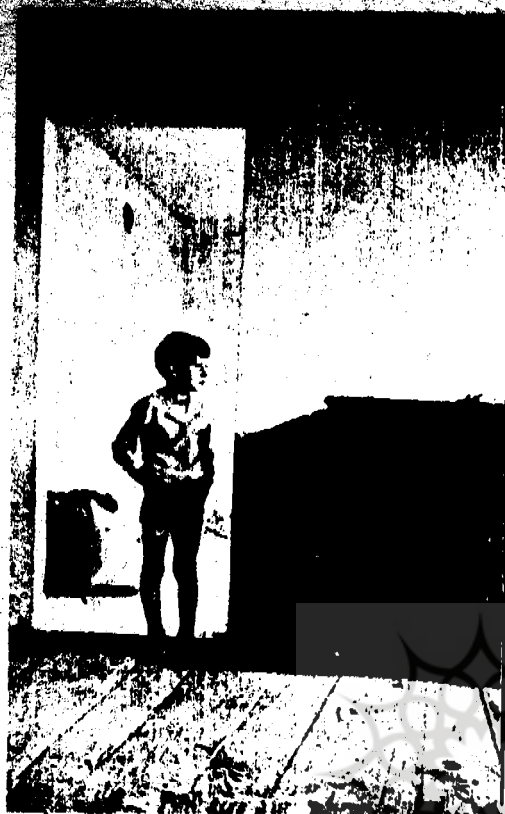
سنگین ممکن است سبب کوفتگی عمومی دزوی شده و منجر به انحنای ستون فقرات گردد. بنابراین رعایت اندازه، نهایت ضرورت را دارد.

اما آنچه که کودک توانائیش را دارد، حتما باید سعی کند که خوب انجام دهد - والا خصایصی چون درستکاری و قبول مسئولیت کار، پایداری و اراده پرورش نخواهد یافت.

اکنون باید رابطه کار را با بازی در کودکان کودکستانی خاطر نشان سازیم. کار از بازی ناشی می شود. و این برای ما بزرگترها وسیله تربیتی خیلی نیرومندی است.

مثلا، کودکی با اسباب بازیهایش بازی می کند و نمی خواهد آنها را جمع کند، آیا باید او را بزور به اینکار وادار کرد؟ یقیناً، بزرگترها می توانند کودکان را به آنچه که ضروری می-شمارند، وادارند، اما این عمل خیلی کم به نفع کودک تمام خواهد شد. او که می خواهد کار کند، تا از هرکاری لذتی ببرد، واز نتایج آن رضایت خاطر حاصل کند، خود مهم است. تحقیقات روانشناسان و معلمان نشان می-دهد که در زندگی کودکان کودکستانی احساسات نقش مهمی را به عهده دارند.

وسيله اصلی وادار کردن کودک به انجام آنچه که ما می خواهیم احضار احساسات مثبت و جالب کردن چیزی است که پیشنهاد می کنیم. بدین ترتیب در مورد کودکی که از جمع آوری اسباب بازیهایش سرباز زده است چه باید کرد تا با کمال میل دست به کار شود؟ برای اینکار وسیله مورد اطمینانی وجود دارد - این کار را با بازی درهم آمیزید، کمی فانتزی بدان بیفزایید. به کودک نشان دهید که چگونه می توان اسباب بازیها را جمع و جور کرد - از مکعب برای



آن پرنده لانه ای بسازید، ماشین رادر گاراژ بگذارید، اسباب بازی خرس را مثلا بگذارید بخوابد... خواهید دید که کودک به این بازی جلب خواهد شد. ابتدا وقتی که بچه دوسه ساله است، چنین کاری مسلما با همکاری بزرگترها انجام می گیرد. اگر شما بطور مرتب و روز بروز، به صورت سیستماتیک به کودک بیاموزید که اسباب بازیهایش را جمع کند، به موقع در او مهارت و عادت لازم پدیدار خواهد شد و او خودش اقدام به اینکار خواهد کرد شاید حالا برای کودکان شش-هفت ساله جالب نباشد ولی کار لازمی است.



آموختن روش کار خیلی مهم است . هر قدر هم که کار کودک کودکستانی مطابق میلش باشد باید هدف کار آشکارا معلوم باشد . (خود او همیشه نمی تواند این کار را بکند) . عمل او باید به اندازه کافی درست باشد ، تا با کمترین مصرف نیرو بهترین نتایج بدست آید . جریان کار توجه کودک را به خود جلب می کند و این وضع ممکن است سبب شود که نتیجه کار را فراموش کند ، نتیجهای که درسایه کوشش او باید دریافت شود . کودک مثلا " کاملاً خوشحال است که به او لگن پر از آب و صابون داده اند و او ضمن شستن پیراهن عروسکش بازی می کند . و در این

کودک اسباب بازیهایش را در گوشه ای جمع می کند و این کار به نفع همه خانواده است . زیرا اگر اسباب بازی منظم درجائی چیده شود اطاق را زیبسا می کند . بدین ترتیب ، کودک عادت به مواظبت از نزدیکان خود می کند ، و خود را شریک کار مشترک احساس می کند . به موازات این ، کودک عادت می کند که به زیبایی توجه کند ، و متوجه زیبایی بشود .

تمام این خصوصیات ارزشمند در کودکی هنگامی با موفقیت پرورش می یابد که کودک با میل خود در اوطالبانه آماده کار بشود .

برای اینکه کودک را علاوه بر بازی به سوی کار بکشانیم یک راه دیگر وجود دارد و آن کار کردن بزرگترها با کودکان است . زیرا برای کودکان کودکستانی شادی بزرگ همیشه بودن با پدر و مادر و با مادر بزرگ و پدر بزرگ و بازی با آنها و کار کردن با آنهاست .

از این میل کار کردن کودکان با بزرگترها می توانیم استفاده کنیم تا عشق به کار کردن را به کودک تلقین کنیم و به آن عادت دهیم . در کار دسته جمعی آسانتر می توان به کودک روش صحیح و چگونگی انجام هر کاری را نشان داد . کار دسته جمعی به این جهت با ارزش است که در کودکان مقدمه اجتماعی بودن به وجود می آید - کودک عملاً متقاعد می شود که کار او تا اندازه ای بستگی به کیفیت و نتایج کار اجتماعی دارد .

بنابراین ، کار مشترک ، کارهای آسان دستورهای درخور توانائی ، با بازی ارتباط دارند . اما در تمام موارد برای اینکه به کودک بیاموزیم که خوب کار کند ، باید به خاطر داشته باشیم که حتماً روش کار را به وی بیاموزیم . . .

جا لازم است او را متوجه خوب شستن پیراهن بکنیم تا خود ببیند که خوب تمیز شده است یا نه. کودکان بزرگتر وقتی ببینند که نتیجه کارشان بد است ناراحت می شوند. و به این جهت توجه بزرگترها به کار کودک مهم است، و در مواقع لزوم باید با راهنمایی او، مسلمان بدون جلوگیری از استقلال و ابتکار کودک به وی کمک نمود.

تصور کنید که کودک پنج و شش ساله با بیلچه شروع به پارو کردن برف می کند. این سرگرمی می تواند یک بازی ساده باشد، او از انداختن برف خوشش می آید و راه ورود به ساختمان را باز می کند. کودک دوسه دقیقه برف می اندازد و از آن خسته می شود. واز کندن برف دست کشیده و بیلچه را زها می کند. اگر پدران و مادران به این بازی توجه نکنند، کار مفید و جالبی می شود. بگذارید بچه یا برف سبک و بوک بازی کند، سپس هدف بازی او را به وی یاد آوری کنید. او می خواهد راهی به راهرو باز کند تا رفت و آمد آسان شود. باید روش کار را به او آموخت و قنیه او شمره کارش را بسیند - یعنی راهی که خود او باز کرده است - بزرگترین شادی و مسرت به او دست می دهد.

کودک فقط وقتی از کار خود رضایت خاطر حاصل می کند و کارش از لحاظ پرورشی ارزشمند است که نیازمنسب مقداری کوشش باشد. ناراحت نباید شد که اگر او کمی هم خسته شد! هیچ ضرری از کار "شبهه به بازی" متوجه بچه نمی شود. حتی بچه های کاملاً کوچک هم فقط کارهای مفید را می شناسند.

به کودک سه ساله پیشنهاد کنید فنجانی را که

چائی خورده اند خوب و تمیز بشوید. او سعی می کند تا کثیف ترین فنجانها را بردارد، زیرا میل دارد کار کند و کاملاً هم حق با او است.

باید ببندیشیم که کدام انگیزه کار است که محرک کار کردن در کودک می شود. بسیاری از مواقع این محرک ها بستگی به خصوصیت کار و ارزش تربیتی آن دارد. کار به خاطر دیگران خصوصاً در تربیت کودک پنج تا هفت ساله مهم است. و خیلی ارزشمند است که پسر شامبرفها را پارو کند و راهی باز کند نه برای اینکه تنها خودش از آنجا راحت بگذرد، بلکه برای اینکه این کار برای دیگران هم لازم است. در چنین کاری در کودکان پیوسته خصایص اجتماعی بودن به وجود می آید.

اشتباه معمول پدر و مادران در این است که آنها به کودکان در حال رشد خود کار منظم را یاد نمی دهند، کودکان گاهی به آنها کمک می کنند آنهم وقتی است که از آنها بخواهند یا هنگامی که آنها رابه کمک بطلبند. اما برای کودکان پنج - هفت ساله باید وظایف دائمی و فمینی را محول نمود. مثلاً جمع آوری اسباب - بازیها جزو وظایف کودک شمرده می شود. جمع آوری و چیدن کتابچه ها، مدادها و دفترچه عکس و نقاشی، و آب دادن دوسه گلدان اطلاق به عهده کودک است. وظایفی که کودک در مقابل اجرای آن مسئول است، به پرورش مسئولیت و وجدان وی در هرکاری کمک می کند و رفتار او را منظم و مرتب کرده عادت می دهد، نه تنها کاری را که دوست دارد خوب انجام دهد بلکه کاری را هم که کمتر خوشش می آید ولی ضروری است انجام دهد. به یقین می دانید که وقتی پسر یا دختر شما شروع به مدرسه رفتن کردند



این خصوصیات و عادات خوب چقدر مناسب
فرزندان شما خواهد بود .

کودک نه تنها با انجام دادن کارش بلکه با
انجام وظایف درخور توانائی اش درخانه یادر
گروه کودکان عادت به دلسوزی به دیگران و
خوبشاوندان و هم وطنان خود می کند .

برخی از پدران و مادران می گویند که
می خواستند کودکانشان را مبتنی برکار تربیت
کنند ، اما آنها برای این کار وقت نداشتند .
آنها وقتی برای انتظار نداشتند ، تا او خود
لباس در بیاورد و میز را بچیند . خود آنها

این کار را سریع تر انجام می دهند ، و
نتیجه اش هم بهتر است . تمام اینها درست
اما وقتیکه خود کودک دلش می خواهد کاری

انجام دهد ، به کسی کمک کند ، از بزرگترها
پشتیبانی کند ، چه اوقات طلائی را از دست
می دهیم . بچه ای که دوسالش تازه تمام
شده برایش جالب است که خودش جورابها و
چکمه هایش را در بیاورد و او سعی می کند

این کار را انجام دهد ، در حالیکه جدید و
پشتکار زیادی از خود نشان می دهد . برای
ما لازم است که از وی پشتیبانی کنیم ، و او را

تحسین کنیم ، وحتما به وی کمک کنیم . اگر
راه دیگری را انتخاب کنیم میل انجام هرگونه
کاری درسه یا چهار سالگی خود بخود از بین
خواهد رفت . او باکمال میل دست و پایش را
به طرف بزرگترها دراز خواهد کرد تا دستکش

و جوراب و کفش بپوشانند ، و بحرف پدر و مادر
گوش نخواهد کرد که یک مرتبه ، بی مقدمه از او
می خواهند که مستقل باشد . کودک پنهان و

شش ساله کودکانی ، صرفنظر از اینکه کودک
دختر باشد یا پسر ، باشادی فراوانی در تمام
کارهای خانگی شرکت می کنند ، درکارهایی
که به او اجازه شرکت می دهند ، در سنین
هفت - نه سالگی اگر قبلاً کودک عادت به این
نوع کارها نکرده باشد ، او دیگر از این کارها
نخواهد کرد و از انجام دستورات ظفره خواهد
رفت . به جای میل کمک به دیگران و به جای
اولین مقاصد اجتماعی ممکن است خصایص خود
- پرستانه دروی ظاهر شود . بنابراین پدران و
مادران باید تحمل بخرج بدهند ، خود دار
باشند و پیوسته به کودک امکان بدهند تا آنچه
که دلش می خواهد و در خور توانائی اش
می باشد ، بکند .

با پایان دادن این داستان ، می خواهیم بار
دیگر توجه شما را به آن نمونه های آموزشی که به
شما کمک می کنند تا عشق به کار را در کودکان
کودستانی پرورش دهید ، جلب می کنیم .

قبل از هرچیز از بازی و از کار دسته جمعی
کودکان و بزرگترها استفاده کنید . ضمنا روش و
مهارت دیدن هدف نهائی کار و نیل به هدف
را فراموش نکنید .

برای کودکان بزرگتر از پنج سال وظایف
دائمی معین کنید - کار آسان و در خور توانائی
کودک .

تمام اینها به شما کمک می کند تا کودک
خویش را برای مدرسه رفتن ، برای کار خلاقه ای
که در زندگی در پیش دارند و همراه با آن برای
آغاز تربیت اخلاقی آماده سازید .

